

با رسیدن محرم ، دل‌های احرار و آزادگان جهان به سوی حسین بن علی (ع) متمایل گشت و چشمانشان به واقعه عاشورا دوخته شد؛ واقعه ای که ۱۴۲۱ سال از وقوع آن می گذرد؛ اما هنوز، هر سال در سالگشت وقوع آن، نه تنها مسلمانان و شیعیان، بلکه تمامی آزادگان را به سوی خویش جلب می کند. آنچه در اولین نظر و مطالعه در واقعه عاشورا به چشم می خورد و جلب توجه می نماید ، انگیزه ماورای مادی این جنبش عظیم است. حسین بن علی (ع) از سر آغاز قیام خویش و حرکت از مدینه، و حتی قبل از آن، نه تنها به عدم پیروزی مادی خویش آگاه بود؛ بلکه از شهادت خود و اسارت خاندانش اطلاع و بارها، از طریق اخبار غیبی توسط پیامبر اکرم (ص) و علی (ع) از شهادت خویش با خبر گشته بود و این نکته ای بود که افراد مختلف نیز در مواقع متعدد ، با او در میان می گذاشتند؛ اما او همچنان بر هدف خویش که انجام وظیفه خطیر الهی و احیای دین و سنت نبوی بود ، اصرار می ورزید . از سوی دیگر این انگیزه و نیت خدایی قیام حسین (ع) و اصحابش در لحظه به لحظه این واقعه به چشم می خورد؛ از سبقت گرفتن اصحابش برای شهادت از یکدیگر گرفته تا جان باختن طفل ۶ ماهه امام حسین (ع) در راه حق و تا آخرین لحظات حیات امام حسین (ع) که نه تنها تمام هستی خود را در راه حق ، جانانه واگذار نموده است، بلکه هنوز هم خویشتن را تسلیم حق می داند و زیر لب زمزمه می کند: الهی رضا بقضائک، تسلیم لایم، لا معبود سواک.

انگیزه الهی عاشورا که در آن ذره ای غیر خدا راه ندارد، سبب شده است که اهداف عاشورا و قیام اباعبدالله الحسین (ع)، اهدافی مطابق فطرت و سرشت تغییر ناپذیر انسانی گردد. و مگر ممکن است که روزگاری از ایام زندگی بشر، انگیزه ظلم ستیزی و آزادی از قید و بند ظلم از صفحه جان آدمی خارج شود و یا عشق به مبدأ خلقت در میان آدمیان فراموش گردد. پس همین پیوستگی عاشورا و فطرت انسانی، خود سبب تضمین عاشورا، نه تنها پس از ۱۴ قرن، بلکه تا آخر زندگی بشر است. دامنه وسیع اثرات اجتماعی و فردی این قیام الهی که نه تنها پیروان سید الشهدا (ع) را تحت تاثیر قرار داده، بلکه سبب بیداری و تاثیر پذیری احرار و آزادگان جهان نیز گردیده است. ریشه های این فرهنگ و پیام جاودانه را در دل تاریخ مستحکم نموده است و تا زمانی که این اثرات عمیق و وسیع، در گستره تاریخ باقی و پا بر جاست، نام و یاد حماسه سازان کربلا نیز پایدار خواهد بود. از آنچه تاکنون مورد بررسی اجمالی قرار گرفت ، به وضوح مشخص می شود که فراموشی این واقعه عظیم، هرگز متصور نیست. اسلام از همان آغاز تبلیغ، اصلی ترین برنامه خویش را رهایی آدمی از قید طاغوت و بندگی و اطاعت غیر خدا، معرفی نمود و بر آن پافشاری نمود. به همین خاطر مستکبران و مشرکان که منافع خویش را در خطر می دیدند، و تعارض آشکار اسلام با اهداف و مطامع خویش را در یافته بودند، همواره بر آن تاختند. اما رهبری الهی پیامبر اکرم (ص) و امدادهای الهی مانع به ثمر نشستن کوششهای آنان می شد. از طرف دیگر، مسلمین نیز آنان را دشمن آشکار دین خویش می دانستند و در راه مبارزه با آنان، هرگز کوتاه نمی آمدند. اما پس از رحلت رسول خدا (ص)، روش خویش را تغییر دادند و شروع به استحاله و تغییر تدریجی این دین الهی از درون و وارونه جلوه دادن تعالیم آن و افزودن خرافه به آن نمودند ؛ تا جایی که پس از رسول اکرم (ص)، رفته رفته تمام ارکان قدرت را به دست گرفتند و آنچه در عصر نبی گرامی اسلام (ص)، از انجام آن عاجز بودند ، امروز در زیر پوشش ظاهری اسلام و به نام دین، انجام می دادند و هرچه زمان گذشت، بخشهای بیشتری از دین خدا را زیر و رو کردند. با ذکر این مطلب، این نکته واضح و آشکار می گردد که قیام حسینی تنها در یک پیکار و ستیز میان اقلیت حق و

اکثریت باطل ، خلاصه نمی شود ؛ بلکه خود چشمه جوشان معرفتی و شناختی است و دارای یک پیام جاودانه الهی و انسانی و به وجود آورنده یک معیار ابدی است که در تمامی اعصار عمل نمودن به آن سبب کوتاه شدن دست مستکبران و ظالمان از دامن اسلام و انسانیت انسان می گردد . بر این اساس ، اسلام بقای خویش را مرهون مجاهدتهای سیدالشهداست و این همان مفهوم حدیث نبوی است که « حسین منی و انا من حسین » امروز دشمنان هجوم همه جانبه خویش را به اسلام ادامه می دهند و تنها راه مبارزه با اسلام را تغییر اصول و مبانی اسلامی می دانند و از سوی دیگر هوا و هوس آدمی، همواره انسان را در بند خود اسیر می نماید .

پس امروز نیز ما به ماهیت پیام و قیام سیدالشهدا نیازمندیم تا اسلام اصیل و به دور از پیرایه را که پیامبر اسلام (ص) به عالمیان عرضه نمود را درک نماییم و آنرا حفظ کنیم و باورهای خویش را از هرگونه جهالت و ضلالت به دور نگه داریم و درون انسانی خویش را از بند برهیم تا بدین وسیله مقدمات برپایی نظام جهانی مبتنی بر عدالت و بر پایه تعالیم جهان شمول اسلام را فراهم آوریم و راه را برای حکومت جهانی مهدی موعود (عج) هموار کنیم. در حقیقت، قیام حسینی در عصر حاضر و در فضای غبار آلود تبلیغاتی موجود، هر چه بیشتر مرز حق و باطل را تبیین می نماید و دوباره فطرت مدفون شده بشر را که در زندگی مادی غوطه ور است بیدار می کند. پس نه تنها نیاز بشر در عصر حاضر به قیام عاشورا از بین نرفته است، بلکه فزونی یافته است .

عاشورا: حال و آینده

نسل امروز و آینده هنوز تشنه فضیلت و عدالت است و به دلیل سرخوردگی از تباهی‌ها به دنبال آرمان شهر اسلامی می گردد. اینان به نیرومندی و توانایی خویش برای به دست آوردن دنیایی بهتر و در نتیجه رستاخیزی مطلوب می اندیشد. جوان امروز در تلاش است تا از فرهنگ و ارزش های اسلامی انسانی به صورت بهینه بهره گیرد. این تفکر حیاتی ترین، اندیشه ای است که می تواند به بالندگی جامعه جوان امروز و آینده مدد رساند. همانگونه که می دانید صحنه عاشورا چنان آگاهانه در راه معشوق جان سپاری کردند که به قول امام خمینی(ره): «هر چه روز عاشورا سیدالشهدا سلام الله علیه به شهادت نزدیکتر می شد، افروخته تر می شد و جوانان او مسابقه می کردند برای این که شهید بشوند، همه هم می دانستند که بعد از چند ساعت دیگر شهیدند. برای این که آنها می فهمیدند کجا می روند؛ آنها می فهمیدند برای چه آمدند؛ آگاه بودند که «ما آمديم اداى وظيفه خدایى را بکنيم؛ آمديم اسلام را حفظ بکنيم». امام خمینی(ره) رمز عزت مردم ایران، از ذلت و زبونی را، احیای حماسه های عاشورایی می دانند و می فرمایند: «عاشورا را زنده نگهدارید که با نگهداشتن عاشورا کشور شما آسیب نخواهد دید.»

شجاعت سیدالشهداء علیه السلام نه تنها همان زور بازو و قدرت و قوت بدنی و علم و آگاهی آن حضرت به آئین جنگ و نبرد و مدیریت و فرماندهی و به خاک انداختن دلیران و دلاوران صحنه کارزار بود، بلکه تمام اینها از روح قوی و خصیت بلند و

حیات اعتقادی و اسلامی او نشأت می گرفت. وقتی از او می پرسند از پیامبر حدیثی که خودت شنیده باشی نقل کن می فرماید:
« ان الله يحب معالي الامور و يبغض سفاسفها » خداوند کارهای بلند و گرامی را دوست می دارد و کارهای پست و زبون را دشمن می دارد.»

در این روایت امام حسین(ع) که از جد بزرگوارش نقل می کند، معلوم می شود روح بلند امام با امور پست جسمی سر و کار ندارد، سر و کارش با معانی عالی و بلند و با عظمت است. از دیدگاه اسلام همه حماسه های نژادی و قومی مذموم است و آن حماسه ای در اسلام ممدوح و پسندیده است که بر اساس عزت نفس، کرامت نفس، آزاد منشی و استقلال فرهنگی و اعتقاد دینی باشد و ننگ و ذلت و انحطاط و پستی را تحمل ننماید.